

معرف‌های قناعت در معماری (در تضاد معنایی قناعت با طمع و حرص)

محمد مهوش*، مهدی سعدوندی^۲

تاریخ دریافت مقاله :

۱۳۹۸/۰۱/۱۹

تاریخ پذیرش مقاله :

۱۳۹۸/۰۴/۲۸

چکیده

تأثیرپذیری انسان از محیط و تأثیرگذاری محیط بر رفتار و اخلاق انسان مورد تأیید بسیاری از کارشناسان است و می‌توان گفت رعایت ارزش‌های اسلامی و اخلاقی در معماری زمینه‌ساز رشد و تقویت آن ارزش‌ها در کاربران می‌گردد؛ اما مسأله در چگونگی بروز و تجلی این ارزش‌ها در معماری است. در این پژوهش به تعیین معرف‌های قناعت (که یکی از مکارم اخلاق مورد توصیه امامان معصوم (ع) است) در بخشی از معانی آن (معانی متضاد قناعت: حرص و طمع) پرداخته شده است. بدین منظور طی انجام فرآیندی پس از معناشناسی قناعت با بهره‌گیری از مفاهیم متضاد آن، ابعاد معماری تعیین و سپس معیارها و معرف‌های قناعت شناسایی شده‌اند. روش پژوهش در شناخت معنای قناعت، معناشناسی است و در تعیین ابعاد معماری و معیارها و معرف‌های برگرفته از مفاهیم متضاد طمع و حرص، از استدلال منطقی بهره برده شده است و صحت آن به تأیید ۱۴ تن از کارشناسان معماری رسیده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد ویژگی‌های افراد مؤثر (معمار، کاربر و کارفرما) برای پرهیز از طمع و حرص در معماری، «شناخت حدود اختیار»، «پرهیز از زیاده‌خواهی»، «پذیرش محدودیت‌ها» و «پرهیز از تعصب» است؛ در فرآیند معماری (طراحی، ساخت و بهره‌برداری) باید «سلسله مراتب اهمیت» تعیین شوند، «شکل زندگی» شناسایی شود و با «برنامه‌ریزی» مناسب «تناسب اجزاء اثر با شکل زندگی» و نیز اصل «فناپذیری» مد نظر قرار داده شود؛ در مجموع می‌توان گفت در چنین اثری (در فرم، عملکرد و معنا) چهار ویژگی عمده «قاعده‌مندی»، «تجدیدپذیری»، «انطباق‌پذیری» و «توازن» قابل شناسایی است.

کلمات کلیدی: قناعت، طمع، حرص، معماری.

۱. استادیار، گروه معماری، دانشکده هنر، دانشگاه بجنورد، بجنورد. (نویسنده مسئول). ایمیل: m.mahvash@ub.ac.ir

۲. استادیار، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان. ایمیل: saedvandi@yahoo.com

** مقاله پیش رو مستخرج از رساله‌ی دکترای معماری با عنوان " شاخص‌سازی مفاهیم اسلامی در معماری؛ مطالعه موردی: قناعت " است که با راهنمایی آقایان دکتر مهدی سعدوندی و دکتر مهدی حجت در دانشگاه هنر اصفهان انجام پذیرفته است.

مقدمه

در ادامه پس از بررسی پیشینه و روش تحقیق، فرآیند پژوهش در سه گام اصلی پیش برده می‌شود؛ در گام نخست با روش معاشناسی به شناخت مفاهیم متضاد قناعت پرداخته می‌شود؛ سپس ابعاد معماری معین می‌گردند تا مشخص گردد قناعت در کجای معماری می‌تواند و باید بروز پیدا کند و در گام سوم معیارهای معماری بر اساس مفاهیم متضاد قناعت شناسایی شده و پس از تعریف اسمی به معرف‌های آن‌ها پرداخته می‌شود. شایان ذکر است این فرآیند با انجام وزن‌دهی به ابعاد، معیارها و معرف‌ها تکمیل می‌شود که به دلیل تفصیل مطلب در این نوشتار نگنجدیده است.

پرسش‌های تحقیق

- ۱- معرف‌های قناعت در معماری در تضاد معنایی با طمع کدام‌اند؟
- ۲- معرف‌های قناعت در معماری در تضاد معنایی با حرص کدام‌اند؟

پیشینه

تا کنون منابع متعددی به موضوع قناعت پرداخته‌اند برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: آثار تربیتی و روان‌شناختی قناعت (میراکبری، ۱۳۸۹)؛ فرهنگ زهد و قناعت در کلام و سیره‌ی قرآنی معصومین (ع) (موسوی، ۱۳۸۸)؛ همبستگی قناعت و آرامش روان از منظر امام علی (ع) در نهج‌البلاغه (کلانتری و جنتی، ۱۳۹۱) و نقش قناعت در بهره‌مندی از زندگی (حسین‌زاده، ۱۳۸۹) هستند. در این منابع عموماً به تعریف قناعت و اثرات آن پرداخته‌اند؛ اما در ارتباط بین معماری و قناعت تحقیقات کمتری صورت پذیرفته است: سریانی (۱۳۸۱) در "قناعت و معماری، نظری بر آثار و اصول قناعت در معماری خانه" به اصول معماری خانه در بعد

بنا بر نظر بسیاری از کارشناسان، محیط زندگی انسان می‌تواند بر کاربر آن تأثیرگذار بوده و زمینه‌ساز تقویت و رشد ارزش‌های اسلامی در انسان گردد؛ اما اغلب تحقیقات انجام شده در خصوص مفاهیم و ارزش‌های اسلامی در معماری در حوزه‌ی نظری و مفاهیم کلی است و اگر مفاهیم، معنای ثابتی نداشته باشند هرکس به دلخواه خود آن را تعریف می‌کند و در نتیجه مفاهیم غیر-قابل سنجش، غیر قابل استفاده و ناکارآمد خواهند شد لذا نیازمند آن هستیم که از اکتفا نمودن به کلیات خودداری نماییم. یکی از آموزه‌های اخلاقی مهم در اسلام، قناعت است که تجلی آن در معماری مورد نظر بوده است اما مهم نحوه‌ی ظهور و بروز این صفت در معماری است؛ اینکه تنها بگوییم قناعت باید در معماری بروز پیدا کند کافی نیست بلکه نحوه‌ی این تجلی مورد سؤال است و باید معرف‌های^۱ آن مفاهیم تبیین گردند. برای پاسخ‌گویی به این سوال از فرآیند شاخص‌سازی بهره برده شده است.^۲ در طی این فرآیند ابتدا معنای قناعت با روش معاشناسی مشخص می‌شود و معین می‌گردد چه معنایی از آن مد نظر است (که در این پژوهش معانی متضاد قناعت: طمع و حرص، انتخاب شده‌اند) و سپس معیارها و معرف‌های رضایت در معماری شناسایی و معرفی می‌شود. به بیان دیگر در این پژوهش این فرضیه که با طی فرآیند ذکر شده می‌توان به تجلی مفهوم قناعت در معماری (در پژوهش مفاهیم متضاد قناعت در معماری) پرداخت مورد تأیید قرار می‌گیرد.



اجتماعی، اقتصادی، علمی- فنی و هنری پرداخته و اصول طراحی خانه قناعت‌مندان را قدرشناسی، سادگی و حذف زوائد معرفی کرده است؛ سعدوندی نیز (۱۳۸۸) در "معماری قناعت" به شناخت مفهوم قناعت پرداخته است. این پژوهش به دنبال مصادیق قناعت در معماری نبوده، چرا که معیاری برای تشخیص آن وجود نداشته است؛ ابتدا معانی اصلی، مفاهیم متضاد، مفاهیم سازگار و مفاهیم ناسازگار با مفهوم قناعت بر اساس منابع دینی و ادبی فارسی و عربی به دست آمده است و سپس جوهره‌ی مشترک آن معانی با قناعت استخراج شده است؛ آنچه این نوشتار را از بقیه متمایز می‌سازد سعی در ملموس و کاربردی نمودن قناعت در معماری است که به صورت کلی‌تر در "شاخص‌سازی قناعت در معماری" (مهوش و سعدوندی، ۱۳۹۷) آمده است و در این پژوهش بخش خاصی از آن یعنی معرف‌های قناعت در معانی متضاد آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روش تحقیق

روش مورد استفاده در این مقاله از نوع کیفی است و در شناخت معانی متضاد قناعت (طمع، حرص و فرصت‌سوزی) روش معناشناسی ایزوتسو بهره برده شده است. در این روش با مطالعه‌ی علمی معنا، به استخراج معنای نهفته در متن و کشف لایه‌های معنایی آن پرداخته می‌شود. به این منظور یک مفهوم از یک‌سو به مؤلفه‌های معنایی خود تجزیه می‌شود و از سوی دیگر مفاهیم پیرامونی آن نیز تعیین می‌شوند. در مفاهیم پیرامونی، مترادف‌ها، متضادها، روابط هم‌نشینی و روابط جانشینی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد که در این پژوهش تنها به مفاهیم متضاد قناعت پرداخته شده است.

در شناسایی معرف‌های مختلف قناعت از استدلال منطقی بهره برده شده است. به عبارت دیگر تعیین معانی متضاد قناعت و ابعاد مختلف معماری؛ معیارهای معماری متناسب با هر یک از معانی و معرف‌های هر کدام از معیارها با استدلال منطقی به دست آمده‌اند و به منظور بررسی صحت و سقم معرف‌های شناسایی شده از نظرات ۱۴ تن از کارشناسان معماری (روش دلفی) به وسیله‌ی پرسش‌نامه و نیز مصاحبه استفاده شده است. در مصاحبه و پرسش‌نامه سوال این بوده است که آیا معیارها و معرف‌های شناسایی شده مورد تایید ایشان هست؟ آیا می‌توان مواردی به آن‌ها افزود و یا از آن‌ها کاست؟ گردآوری بخش از داده‌ها نیز با مطالعات پیشین انجام شده (داده‌های اسنادی موجود) صورت پذیرفته است.

گام اول: معناشناسی قناعت

در شناخت معنای قناعت بر اساس روش معناشناسی علاوه بر معانی اصلی و هم‌نشینی به معانی متضاد با واژه پرداخته می‌شود که مورد نظر این پژوهش پرداختن به معانی متضاد با قناعت است؛^۳ این واژه‌ها، صفات و ویژگی‌هایی دارند که با قناعت قابل جمع نیستند و پرهیز از آن‌ها در دستیابی به قناعت ضروری است؛ معانی متضاد می‌تواند محدوده‌ی قناعت را بشناساند چرا که قناعت یک طیف را شامل می‌شود یک‌سوی این طیف بنا بر روایات مختلف "طمع" و "حرص" است اما می‌توان گفت سوی دیگر آن "فرصت‌سوزی" است؛ آدمی نباید کاهلی نموده و به بهانه‌ی قناعت فرصت‌ها را از دست بدهد؛ پرهیز از طمع و حرص و یا به عبارتی بسنده کردن به کم و بهره‌مندی کم از دنیا نافی تلاش و کوشش انسان





نیست و به بیان دیگر نباید فرصت سوزی انجام داد. البته قابل ذکر است با توجه به مفصل بودن موضوع، در این مقاله تنها به یک بازه از معانی متضاد (حرص و طمع) پرداخته می‌شود و در نوشتار دیگری به بحث فرصت‌سوزی پرداخته خواهد شد.

الف) قناعت و طمع

طمع از خلق‌گدایی باشد * گر همه حاتم طایی باشد (جامی، امثال و حکم)

در لغت‌نامه‌ی دهخدا ذیل واژه‌ی طمع آمده است: آزمند گردیدن، حریص گشتن، امید داشتن، زعم، انتظار، حرص و آز، اشتها و میل بی‌حد. در فرهنگ معین نیز به معنای طمع، هوس بی‌حاصل و تمنای امری است که ممکن نباشد و مفردات راغب در معنای کلمه‌ی طمع می‌گوید: تمایل نفس به چیزی از روی آرزوی شدید و آزمندی^۴ (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۵۰۰). در مجموع طمع، تمایل نفس انسان است نسبت به چیزی که از محدوده‌ی تصرف او خارج است و طلب کردن و خواستن چیزی که ناممکن است از طمع حاصل می‌شود. انسان طمّاع کسی است که دوست دارد چیزی را که در اختیارش نیست مالک شود.

در بررسی روایات و نیز در ادبیات فارسی شواهد زیادی در تضاد معنای طمع و قناعت وجود دارد از جمله: هر که از قناعت دور باشد بیشتر به دنبال طلب می‌رود و طمع در مال دنیا پیدا می‌کند (مجلسی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۶۷)؛ هر که قناعت کند طمع او کم باشد^۵ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۵۸۹)؛ بنده اگر قناعت کند آزاد است، و آزاد مادامی که طمع کند بنده است^۶ (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۱: ۱۱۳). من طمّع ذلّ و تعنی (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰:

۶۳۳)؛ عزّ من قنّع و ذلّ من طمّع (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۸: ۲۹۸)؛ در گنجینه معارف شیعه امامیه آمده است: به کسی باید رشک برد که قناعت پیشه کرده و میانه‌رو است چرا که هر کس قانع است از بندگی دنیا آزاد است و از خواری و طمع‌ورزی برکنار است. فقیر کسی است که طمع دارد و بی‌نیاز آنکه قناعت کند (کراجکی، بی‌تا، ج ۱: ۳۴۷).

البته باید دانست طمع آدمی را حدّ یقفی نیست هر چه به دست می‌آورد باز در صدد دیگری است چرا که الطمّع طبعی است یعنی طبیعت نفس انسان است و شخص بی‌خبر از خدا چون پیوسته به تمایلات نفس متوجه است هر چه تلاش کند نمی‌تواند آن‌ها را راضی نماید لذا با وجود وسعت نعمت پیوسته در تنگی است.

دیده‌ی اهل طمع به نعمت دنیا پر نشود، همچنان که چاه به شبنم (کراجکی، بی‌تا: ۱۱۹).

امام علی (ع) فرموده‌اند: خردها بیشتر آنجا به زمین می‌خورد، که طمع‌ها و آزمندی‌ها برق می‌زند (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۰۴)؛ طمع ورزیدن، خود باختن ابدی است^۷ (هاشمی خویی، ۱۴۰۰، ج ۲۱: ۲۵۵)؛ خواری عظیم‌تر از طمع وجود ندارد^۸ (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۶: ۴۳۴).

با توجه به معنای طمع دو ویژگی اصلی می‌توان برای آن قائل شد یکی «میل بی‌حد و حصر» و دیگری «خواسته‌های محال و ناممکن» بنابراین جوهره‌های قناعت در تضاد با طمع «محدود کردن امیال» و «تناسب خواسته‌ها با واقعیات» است.

ب) قناعت و حرص

از دیگر مفاهیم متضاد با قناعت، حرص است. در یکی از سفارش‌های امام باقر(ع) آمده است: با پرهیز از حرص اهل قناعت شو (ابن شعبه، ۱۳۸۱:

۲۶۵) و نیز حضرت علی(ع) فرموده‌اند: قناعت دریافت نمی‌شود مگر اینکه حرص نایاب شود^۹ (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۵: ۶۶) و نیز فرموده‌اند: توانگرتر شما قناعت کننده‌تر شما است بدبخت‌تر شما حریص‌تر شما است^{۱۰}، زیرا که حرص زیاد باعث تعب و رنج در دنیا و عذاب و عقاب در آخرت می‌شود و این نهایت بدبختی است (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۲: ۳۶۹). همچنین از حضرت علی(ع) در حکمت ۶۰۷ نهج‌البلاغه نقل شده است: با قناعت از حرص انتقام بگیر^{۱۱}. امام صادق(ع) نیز فرمود: حریص از دو خصلت محروم است و دو خصلت دامن‌گیر او است: او از قناعت محروم است و لذا راحتی را از دست می‌دهد و از رضای به قضا محروم است و لذا یقین را از دست می‌دهد (ابن بابویه، ۱۳۸۲، ج ۱: ۱۱۳). در لغتنامه‌ی دهخدا در معنای حرص آمده است: آز، آزمندی، ولع، هلع، هوا، زیادت‌جویی و طمع؛ معنای حرص در قاموس قرآن عبارت است از علاقه‌ی شدید (قرشی بنایی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۱۱۹) و در مفردات راغب زیاده‌روی در آزمندی و میل و اراده معنی شده است؛ معنی اصلی واژه‌ی حرص از عبارت «حَرَصَ الْقَصَّارَ الثَّوْبِ» یعنی "شوینده‌ی لباس آن را با دقت فشرد" گرفته شده است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۶۹). در فرهنگ ابجدی و مقایسه‌ی اللغه به دو معنا برای کلمه‌ی حرص اشاره شده است یکی «شَق» به معنای پاره کردن و معنای دوم «جَشَع» به معنای حرص و آز است. در زبان عربی به کسی که لباس را می‌شوید و فشار می‌دهد و چرک‌های آن را خارج می‌کند، «قَصَّار» می‌گویند و از آن با این جمله تعبیر می‌شود: «حَرَصَ الْقَصَّارُ الثَّوْبَ»؛ یعنی انسان عصار لباس را پاره کرد. حارصه نیز به ابری گفته می‌شود که باران شدیدی

از آن می‌بارد و آن باران شدید، پوست زمین را پاره می‌کند (بستانی، ۱۳۷۵: ۳۲۵). با توجه به تعاریف فوق وقتی شخص بیش از حد متعارف لباس را فشار می‌دهد برای اینکه چرکی آن را خارج کند به آن حرص به معنای «پاره کردن» می‌گویند. در مورد بارش باران هم همین‌طور است یعنی به بارانی که نم‌نم و آهسته می‌آید حرص نمی‌گویند بلکه اگر بیش از حد متعارف باران بیارد به طوری که پوست زمین را از هم جدا کند به آن حارصه می‌گویند. منظور از زخمی که به آن حارصه گویند نیز این است که ضربیه‌ی شدیدی بر پوست بدن وارد شده و پوست را جدا نموده است. در معنای دوم هم که حرص به آز معنی شده است منظور علاقه‌ی شدید و بیش از حد و زیاده‌روی در میل باطنی به چیزی است و می‌توان گفت وجه اشتراک این معانی، همان شدت عمل، اراده و تلاش بی‌حد و حصر است و در واقع جدا شدن و پاره شدن نیز نتیجه‌ی شدت عمل است و وقتی انسان بیش از حد معمول تصمیم به انجام کاری بگیرد و بیش از اندازه‌ی متعارف اراده‌ی قوی خود را به کار گیرد به «حرص» مبتلا شده است. به تعبیری حرص عبارت است از مبالغه و اسراف در طلب (مستغفری، ۱۳۸۱: ۱۶۵). بنابراین می‌توان گفت معنای حرص، از یک سو کوشش و تلاش بیش از حد برای رسیدن به خواسته‌ها است که جوهره‌ی معنایی قناعت در تضاد با حرص «تناسب تلاش‌ها با انواع خواسته‌ها» خواهد بود و از سوی دیگر معنای حرص، زیاده‌خواهی است که جوهره‌ی معنایی قناعت در تضاد با حرص «به اندازه‌خواستن» و یا همان «محدود کردن امیال» خواهد بود که در معنای قناعت در ارتباط با طمع نیز به آن اشاره شد.





گام دوم: تعیین ابعاد معماری

در مجموع می‌توان گفت هرگاه سخن از معماری به میان می‌آید سه بعد آن مد نظر قرار دارد: ۱- به معمار اشاره دارد به معنای کسی که در بنای معماری نقش دارد که از آن به بُعد «افراد مؤثر» نام برده می‌شود. این بُعد خود شامل ریز ابعاد معمار، کاربر و کارفرما است (در این دسته‌بندی عوامل اجرایی، نظارت و مانند آن در قالب معمار گنجانده شده است)^{۱۲} - به فعل و عمل معماری بر می‌گردد که بعد «فرآیند معماری» است و شامل ریز ابعاد طراحی، ساخت و بهره‌برداری است ۳- به محصول معماری بر می‌گردد که آن را «اثر معماری» می‌نامیم و شامل ریز ابعاد فرم، عملکرد و معنا است. یادآور می‌گردد هدف از این دسته‌بندی این است که حوزه‌های مختلف ظهور ارزش اخلاقی در معماری مشخص شود تا معیارهای معماری متناسب با آن مفهوم با دقت بیشتری شناسایی شوند.

گام سوم: تعیین معیارهای معمارانه‌ی قناعت و معرف‌های آن‌ها

در این بخش ابتدا به شناسایی معیارهای معماری منطبق با ارزش اخلاقی قناعت در معنای متضاد با طمع و سپس در معنای متضاد با حرص پرداخته می‌شود؛ در هر قسمت ابتدا تعریف اسمی قناعت صورت می‌پذیرد و سپس معرف‌های آن‌ها تعیین می‌گردند (تعریف عملیاتی) لازم به ذکر است در شناسایی معرف‌ها در هر بخش به تعدادی مختصر از آن‌ها پرداخته می‌شود و معرف‌ها به صورت کامل‌تر در جدول ارائه شده در آن بخش ذکر می‌گردد؛ چنانچه ذکر شد با توجه گستردگی موضوع و نیز محدودیت در مقاله، به معیارهای

مربوط به "فرصت‌سوزی" در نوشتار دیگری پرداخته خواهد شد.

الف) طمع (محدود کردن امیال، تناسب خواسته‌ها با واقعیات)

معانی طمع، "میل بی‌حد و حصر" و "خواسته‌های محال و ناممکن" و جوهره‌ی "قناعت" در تضاد با "طمع"، "محدود کردن امیال" و "تناسب خواسته‌ها با واقعیات" است. معرف‌های معماری قانعانه در ارتباط با طمع موارد ذیل شناسایی شدند:

۱) افراد مؤثر: لازمه‌ی محدود کردن امیال در افراد مؤثر «شناخت حدود اختیار» هر یک از افراد مؤثر است. اطلاع از میزان اختیارات هر فرد باعث می‌شود تا حدی امیال وی نیز تحدید گردد. به طور مثال میزان اختیاراتی که ضوابط ساخت و ساز مانند مقررات ملی ساختمان و طرح‌های تفصیلی برای کارفرماها ایجاد می‌نماید تمایل ایشان را در افزایش طبقات یا سطح اشغال و مانند آن محدود می‌نماید؛ یا تعیین میزان اختیارات طراح توسط کارفرما می‌تواند تمایل ایشان را برای طرح نمای مجلل و یا پیروی متعصبانه از سبک و مد خاص محدود نماید.

همچنین تعرض به حقوق دیگران، تعرض به محیط زیست و مانند آن‌ها می‌تواند ریشه در طمع انسان داشته باشد. طمع باعث تمایل نفس انسان نسبت به چیزی می‌شود که از محدوده‌ی تصرف وی خارج است و با از بین بردن حقوق دیگران- به طور مثال در بهره‌مندی از طبیعت- آن را به تصرف خود در می‌آورد، با ساختن بنا بیشتر از ارتفاع مجاز به حریم دیگران تعرض می‌کند و حقوقی را برای خود قائل می‌شود که زیاده از حق خود بخواید. بنابراین «پرهیز از زیاده‌خواهی» اصل دیگری است

که از محدود کردن امیال ناشی می‌شود و به قناعت نزدیکتر است. اصلی که از جوهره‌ی دیگر قناعت در تضاد با طمع-تناسب خواسته‌ها با واقعیت می‌تواند ریشه بگیرد شناخت واقعیات و در نتیجه‌ی آن «پذیرش محدودیت‌ها» در افراد مؤثر است. امکانات مالی کارفرما، قوانین موضوعه‌ی موجود در معماری، اقلیم، اعتقادات و فرهنگ نمونه‌هایی از واقعیات هستند که در معماری قانعانه باید خواسته‌های خود را متناسب با آن‌ها در نظر گرفت.

۲) فرآیند معماری: بدیهی است محدود کردن امیال نسبی است، برخی می‌توانند کاملاً حذف شوند و برخی تا حدی محدود می‌شوند لذا باید سعی نمود در مسائلی که در درجه‌ی بالاتری از اهمیت قرار دارند به محدود نمودن بیشتر امیال توجه داشت. بنابراین اصل «تعیین سلسله مراتب اهمیت» در فرآیند خلق برای رسیدن به قناعت در معماری ضروری به نظر می‌رسد. میل بی‌حد و حصر در فرآیند خلق معماری می‌تواند باعث به پایان نرسیدن کار شود؛ البته درست است که قابلیت توسعه یکی از ویژگی‌های معماری قانعانه است ولی تغییرات نیز نمی‌توانند بی‌حد باشند و باید برای هر کاری به مقیاس زمانی و اتمام کار توجه شود به طور مثال برای یک کار نمی‌توان برنامه‌ریزی صد ساله انجام داد چرا که عموماً ساخت اثر به دلیل رفع نیاز موجود انجام می‌گیرد و ساخت اثر در طولانی مدت بی‌ثمر خواهد بود؛ البته در صورت نیاز می‌توان در طراحی و اجرا، مرحله‌بندی صورت داد؛ نمونه‌ی بارز پایان‌ناپذیری در کشور پروژه‌ی مصلاهی تهران است که ساخت آن سالیان سال به درازا کشیده است و همچنان ادامه دارد. البته پایان کار به گونه‌ای دیگر هم

می‌تواند در فرآیند معماری لحاظ شود و آن «فناپذیری» است. منظور از فناپذیری این است که برای معماری نیز به تبعیت از طبیعت و مانند تمام عالم باید پایانی در نظر گرفت. میل بیش از حد به ماندگاری و عدم تغییر در معماری نشان از طمع دارد، گاهی اثر را چنان مستحکم و قطعی در نظر می‌گیریم که گویی پایانی برای آن در نظر نیست! البته پایان‌پذیری به معنی عدم استحکام بنا در برابر عوامل جوّی و طبیعی نیست. چنانکه در معماری سنتی با رعایت اصل تعمیرپذیری از مصالحی استفاده می‌شد که دائمی و ثابت نبودند و نیاز به مرمت و نگهداری سالیانه یا هر چند ساله داشتند و از این طریق از یکنواختی آن‌ها نیز کاسته می‌شد؛ چنانکه الکساندر معتقد است برای نیل به کیفیت بی‌نام، بنا یا دست‌کم بخشی از آن، باید از موادی ساخته شوند که کهنه و فرسوده گردند و از این طریق به جاودانگی برسند (الکساندر، ۱۳۸۱).

تناسب خواسته‌ها با واقعیت در فرآیند معماری در صورتی امکان‌پذیر است که واقعیات شناسایی شده باشند؛ وضعیت اقلیم، شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نوع معیشت، تعداد ساکنین و امثال آن‌ها نمونه‌هایی از اطلاعاتی هستند که در صورت در نظر نگرفتن آن‌ها بین واقعیت و خواسته‌ها تناسب برقرار نخواهد شد. بدین ترتیب می‌توان گفت «شناخت شکل زندگی» مصداقی از دوری از طمع خواهد بود و از اقدامات لازم برای شناسایی شکل زندگی، نیازسنجی است. تغییراتی که در مسکن روستایی عموماً بعد از اجرای طرح هادی، مقاوم‌سازی و یا نوسازی بعد از حوادثی چون زلزله رخ می‌دهد نمونه‌هایی از عدم شناخت نوع زندگی روستاییان است.





۳) اثر معماری: محدود شدن امیال در اثر معماری به این معنی است که همه چیز به اندازه خواسته شود. اندازه، باید در همه جا رعایت شود در استفاده از تکنولوژی، در تزئینات، در هزینه‌ی هر بخش از اثر به نسبت کل، در کیفیت مصالح به نسبت هزینه و ... و از میل به دسترسی به حداکثر (کمی و کیفی) و خواسته‌های نامعمول و محال پرهیز شود. به نظر می‌رسد «قاعدہ‌مندی» در اثر معماری از معیارهایی است که از رعایت حد و اندازه ناشی شده و باعث قرابت به قناعت می‌شوند. همچنین می‌توان گفت «تجدیدپذیری» اصلی است که با رعایت فناپذیری در فرآیند خلق، در اثر معماری نمود پیدا می‌کند. پذیرفتن فناپذیری در معماری به این معنی که آیا برای پایان آن یعنی اتمام تاریخ مصرف اثر نیز پیش‌بینی لازم صورت گرفته است؟ آیا اجزای مورد استفاده قابل تجدید هستند یا برای تغییر یک جزء نیازمند تغییرات کلی در بنا هستیم؟ آیا مصالح مصرفی قابل بازگشت به طبیعت‌اند و قابلیت بازیافت دارند؟

اصلی که در اثر معماری از تناسب خواسته‌ها با واقعیت ریشه می‌گیرد «انطباق‌پذیری» است؛ اثر معماری که در آن شکل زندگی مد نظر بوده است، با واقعیات، منطبق است. محدودیت‌ها پذیرفته شده است؛ مطابق با نیازهای ساکنین است و شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در آن لحاظ شده است. معیارهای معماری قانعانه که از ارتباط «قناعت و طمع» استنباط شده‌اند و تعریف اسمی آن‌ها در جدول ۱، معرف‌های آن‌ها در هر یک از ابعاد معماری در جدول ۲ آمده است.

ب) حرص (محدود کردن امیال، تناسب تلاش‌ها با انواع خواسته‌ها)

با توجه به اینکه معنای قناعت در تضاد با طمع و حرص در «محدود کردن امیال» فصل اشتراک داشت لذا در این قسمت از پرداختن مجدد به معیارهای معماری در ارتباط با آن پرهیز می‌گردد (هر چند تکرار آن‌ها در وزن نهایی هر گویه مؤثر است) اما در معنای «قناعت» در تضاد با «حرص» که «تناسب کوشش‌ها با خواسته‌ها است» - چرا که حرص به معنی تلاش بیش از اندازه برای رسیدن به خواسته‌ها تعریف شد- معیارهای معماری ذیل قابل استنباط است. به عبارتی دیگر ممکن است کسی زیاده‌خواهی نکرده باشد ولی برای رسیدن به خواسته‌ی خود کوشش بیش از حد انجام داده باشد که این از مصادیق حرص است و باید از آن پرهیز نمود.

۱) افراد مؤثر: افراد مؤثر در معماری برای رسیدن به هدفی مشخص هرچند تعدیل شده و به جا نیز باشد نباید سماجت و تعصب ورزاند، بلکه باید بتوانند در خواسته‌ی خود تجدیدنظر نمایند چرا که پافشاری، اصرار و کوشش بی‌حد، مصداق حرص بوده از قناعت به دور است. بنابراین «پرهیز از تعصب» در رسیدن به خواسته‌ها می‌تواند یک اصل در معماری قانعانه باشد که با دوری از حرص حاصل می‌شود.

۲) فرایند معماری: در فرآیند خلق برای اینکه بتوان بین خواسته‌ها و تلاش، تناسب ایجاد نمود نیاز به «برنامه‌ریزی» است و اصولاً هیچ بنای عالی خود به خود به وجود نمی‌آید بلکه برای این کار باید برنامه‌ریزی‌هایی انجام گیرد و این کار جزء اولین و مهم‌ترین وظیفه‌ی معمار است (میلر، ۱۳۷۹).

جدول ۱. معیارهای معماری قانعانه حاصل از معنای طمع (محدود کردن امیال و تناسب خواسته‌ها با واقعیات) و تعریف اسمی آن‌ها

میدان معناشناسی قناعت			معیارهای معماری در ابعاد مختلف آن	
مترادف	جوهره	افراد مؤثر (معمار، کاربر، کارفرما)	فرآیند خلق (طراحی، ساخت، بهره‌برداری)	اثر (فرم، عملکرد، معنا)
طمع	محدود کردن امیال	شناخت حدود اختیار: آگاه شدن به حوزه مسئولیت- های فردی. پرهیز از تعرض و زیاده‌خواهی: بهره‌برداری از امکانات در حد نیاز به گونه‌ای که از تضییع حقوق دیگران جلوگیری شود.	تعیین سلسله مراتب اهمیت: تعیین عوامل تأثیرگذار بر معماری و مشخص نمودن میزان اهمیت هر یک. توجه به اتمام کار: در نظر داشتن اتمام کار در بازه‌ی زمانی کاملاً مشخص و تعریف شده و زمان‌بندی مرحله‌ای برای بهره‌برداری تدریجی از اثر.	قاعده‌مندی: رعایت حدود و اندازه‌ها و پرهیز از افراط در یک اثر معماری مانند حد استفاده از تکنولوژی، حد کیفیت و تجدیدپذیری: قابلیت تعویض اجزاء اثر در صورت پایان عمر آن.
	تناسب خواسته‌ها با واقعیت	پذیرش محدودیت‌ها: قبول واقعیات و ضوابط حاکم.	شناخت شکل زندگی: شناسایی ویژگی‌های زیستی کاربران ناشی از شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی.	انطباق‌پذیری: پذیرش و شکل‌گیری یک اثر معماری از واقعیات اعم از ویژگی‌های انسان و محیط.

جدول ۲. معرف‌های معماری قانعانه حاصل از معنای طمع (محدود کردن امیال و تناسب خواسته‌ها با واقعیات)

ابعاد	خرده ابعاد	معرف‌ها
افراد مؤثر	شناخت حدود اختیار	شناخت ضوابط و مقررات طراحی و ساخت (از قبیل ضوابط شهرداری، مقررات ملی ساختمان، ضوابط و مقررات مسکن و شهرسازی) / آگاهی از میزان، هدف سرمایه‌گذاری و شرایط مالی کارفرما.
	معمار پرهیز از زیاده-خواهی	تناسب فضاها (از نظر نوع، تعداد و اندازه) با نیاز کاربران (بیش از حد نیاز نبودن) / تطابق اثر با نقشه‌های طراحی شده (نقشه‌های مصوب مرجع صدور پروانه‌ی ساختمان) / احترام به طبیعت و پرهیز از تعرض به آن در طراحی و ساخت (مانند عدم تخریب محیط طبیعی و رعایت حریم عوامل طبیعی چون دریا، رودخانه و ...) / پرهیز از ممانعت تابش آفتاب و وزش باد برای پلاک مجاور با رعایت پیش‌آمدگی مجاز ساختمان در سطح اشغال و ارتفاع بنا / پرهیز از ایجاد مانع بصری با رعایت پیش‌آمدگی مجاز ساختمان در سطح اشغال و ارتفاع مجاز / رعایت حریم بصری واحدهای همسایگی (پرهیز از اشراف به فضاهای غیرعمومی) / پرهیز از تعرض به معابر (مثال: کنسول در ارتفاع نامناسب، الحاقات با بیرون‌زدگی نامناسب و ...) / پرهیز از تجاوز به زمین‌های مجاور / تناسب اجزای اثر با شکل زندگی (پاسخ‌گویی اثر به نیازهای واقعی کاربر) / انسجام و هم‌پیوندی لازم اثر با بناهای پیرامون (از لحاظ اندازه، مقیاس، ریتم، حجم، استفاده از مصالح و رنگ در نما و ...).



طراحی	تعین سلسله مراتب اهمیت	اولویت‌بندی عوامل تأثیرگذار بر طراحی (از قبیل مسائل مالی، نظرات کارفرما، نیازسنجی کاربران، ایده، فرم، عملکرد و ...).
	اتمام کار	توجه به زمان آغاز بهره‌برداری از اثر در طراحی (امکان مرحله‌بندی در بهره‌برداری تدریجی به وسیله‌ی طراحی مناسب، ...)/ توجه به مدت زمان بهره‌برداری از اثر در طراحی (طراحی سازه‌ی مناسب با مدت زمان بهره‌برداری - استفاده از مصالح با کیفیت مناسب با مدت زمان بهره‌برداری).
	شناخت شکل زندگی	شناخت محیط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی / شناسایی نیازهای مختلف کاربران (نیازسنجی).
ساخت	تعین سلسله مراتب اهمیت	شناسایی و اولویت‌بندی عوامل تأثیرگذار بر ساخت / تعیین اولویت‌بندی در مراحل مختلف اجرا از نظر هزینه / تعیین اولویت‌بندی در مراحل مختلف اجرا از لحاظ زمانی.
	اتمام کار	توجه به زمان آغاز بهره‌برداری از اثر در ساخت (مرحله‌بندی در ساخت، کوتاه‌تر نمودن زمان ساخت)/ توجه به مدت زمان بهره‌برداری از اثر در ساخت (استفاده از مصالح با کیفیت مناسب با مدت زمان بهره‌برداری و ...).
	شناخت شکل زندگی	شناخت محیط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی.
بهره‌برداری	تعین سلسله مراتب اهمیت	اولویت‌بندی در عوامل مؤثر در بهره‌برداری (مصرف بهینه، احترام به طبیعت، هزینه‌های تعمیر و نگهداری، خودداری از ایجاد مزاحمت و ...).
	اتمام کار	توجه به مدت زمان بهره‌برداری از اثر (تناسب هزینه در انتخاب تجهیزات و امکانات متناسب با زمان بهره‌برداری از آن‌ها).
	شناخت شکل زندگی	شناخت محیط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی توسط بهره‌بردار.
اثر معماری	قاعده‌مندی	تناسب در پاسخ‌گویی به نیازهای فیزیکی با هزینه‌ی متحمل شده برای آن (مانند تأمین رفاه، ملاحظات اقلیمی، کم‌کردن آلودگی صدا، تأمین ایمنی، تناسب نوع، تعداد و اندازه‌ی فضاها با نیاز ساکنین، تناسب فرم‌ها و کیفیات فضایی با عملکردهای مدنظر)/ متناسب بودن هزینه‌ی هر بخش از اثر با کل هزینه‌ی انجام‌شده / تعادل در فرم از لحاظ پیچیدگی احجام و مسائل سازه‌ای و ... / تناسب بین کیفیت مصالح با هزینه‌ی متحمل شده برای آن / تعادل در کاربرد تزئینات / رعایت اندازه در استفاده از تکنولوژی.
	تجدیدپذیری	قابلیت بازیافت مصالح در صورت اتمام عمر اجزاء اثر / قابلیت تعویض اجزاء اثر در صورت اتمام عمر اجزاء اثر.
	انتطابق‌پذیری	تطابق اثر با نیازهای واقعی کاربران / تطابق اثر با محیط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی / تطابق اثر با ضوابط طراحی و ساخت موجود (از قبیل ضوابط شهرداری، مقررات ملی ساختمان، ضوابط و مقررات مسکن و شهرسازی)/ تطابق اثر با شکل و عوارض زمین / تطابق اثر با میزان دسترسی به نیروی کار ماهر (برای تعمیر و نگهداری)/ تطابق اثر با نوع مصالح در دسترس / تطابق اثر با فناوری‌های ساخت در دسترس / تطابق اثر با شرایط جغرافیایی و اقلیمی.



<p>تطابق اثر با نیازسنجی انجام‌شده / تطابق اثر با محیط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی / تطابق اثر با ضوابط طراحی و ساخت موجود (از قبیل ضوابط شهرداری، مقررات ملی ساختمان، ضوابط و مقررات مسکن و شهرسازی) / تطابق اثر با شکل و عوارض زمین / احترام به طبیعت و پرهیز از تعرض به آن / تطابق اثر با میزان دسترسی به نیروی کار ماهر (برای ساخت) / تطابق اثر با میزان دسترسی به نیروی کار ماهر (برای تعمیر و نگهداری) / تطابق اثر با نوع مصالح در دسترس / تطابق اثر با فناوری‌های ساخت در دسترس / تطابق اثر با شرایط جغرافیایی و اقلیمی / اتمام ساخت اثر در زمان پیش‌بینی‌شده (تطابق اثر با محدودیت زمانی در ساخت اثر) / آگاهی از شرایط مالی و اقتصادی کارفرما.</p>	<p>پذیرش محدودیت‌ها</p>	
<p>آگاهی کاربر از میزان اختیارات در تأمین امکانات و تجهیزات / آگاهی از میزان سرمایه جهت تأمین امکانات و تجهیزات.</p>	<p>شناخت حدود اختیار</p>	
<p>تناسب تجهیزات و امکانات با توانایی کاربران در بهره‌برداری و تعمیر و نگهداری آن‌ها (در صورتی که در اختیار کاربر باشد) / تناسب تجهیزات و امکانات با فضای موجود (در صورتی که در اختیار کاربر باشد).</p>	<p>کاربر پرهیز از زیاده‌خواهی</p>	
<p>احترام به طبیعت و پرهیز از تعرض به آن</p>	<p>پذیرش محدودیت‌ها</p>	
<p>شناخت ضوابط و مقررات طراحی و ساخت (از قبیل ضوابط شهرداری، مقررات ملی ساختمان، ضوابط و مقررات مسکن و شهرسازی) / محاسبه‌ی تمام هزینه‌های ساخت اثر و برآورد سرمایه.</p>	<p>شناخت حدود اختیار</p>	
<p>تناسب فضاها (از نظر نوع، تعداد و اندازه) با نیاز کاربران (بیش از حد نیاز نبودن) / تطابق اثر با نقشه‌های طراحی‌شده (نقشه‌های مصوب مرجع صدور پروانه‌ی ساختمان) / احترام به طبیعت، بهره‌گیری خردمندانه، عادلانه و پایدار از منابع طبیعی و طبیعت (مانند عدم تخریب محیط طبیعی و رعایت حریم عوامل طبیعی چون دریا، رودخانه و ...) / پرهیز از ممانعت تابش آفتاب و وزش باد برای پلاک مجاور با رعایت پیش‌آمدگی مجاز ساختمان در سطح اشغال و ارتفاع بنا / پرهیز از ایجاد مانع بصری با رعایت پیش‌آمدگی مجاز ساختمان در سطح اشغال و ارتفاع مجاز / رعایت حریم بصری واحدهای همسایگی (پرهیز از اشرف به فضاهای غیرعمومی) / پرهیز از تعرض به معابر (مثال: کنسول در ارتفاع نامناسب، الحاقات با بیرون‌زدگی نامناسب و ...) / پرهیز از تجاوز به زمین‌های مجاور / تناسب اجزای اثر با شکل زندگی (پاسخ‌گویی اثر به نیازهای واقعی کاربر) / انسجام و هم‌پیوندی لازم اثر با بناهای پیرامون (از لحاظ اندازه، مقیاس، ریتم، حجم، استفاده از مصالح و رنگ در نما و ...).</p>	<p>کارفرما پرهیز از زیاده‌خواهی</p>	
<p>تطابق اثر با نیازسنجی انجام‌شده / تطابق اثر با محیط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی / تطابق اثر با ضوابط طراحی و ساخت موجود (از قبیل ضوابط شهرداری، مقررات ملی ساختمان، ضوابط و مقررات مسکن و شهرسازی) / تطابق اثر با شکل و عوارض زمین / احترام به طبیعت و پرهیز از تعرض به آن / تطابق اثر با میزان دسترسی به نیروی کار ماهر (برای ساخت) / تطابق اثر با میزان دسترسی به نیروی کار ماهر (برای تعمیر و نگهداری) / تطابق اثر با نوع مصالح در دسترس / تطابق اثر با فناوری‌های ساخت در دسترس / تطابق اثر با شرایط جغرافیایی و اقلیمی.</p>	<p>پذیرش محدودیت‌ها</p>	



تبادل میان امکان تحقق عملکردهای مورد نیاز در اثر با هزینه‌ی انجام‌شده.	قاعده‌مندی	عملکرد
-	تجدیدپذیری	
پاسخ‌گویی اثر به ملزومات عملکردی مطابق با شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی / پاسخ-گویی به ملزومات عملکردی مطابق با نیازهای واقعی کاربران.	انطباق‌پذیری	معنا
تبادل میان پاسخ‌گویی به نیازهای روحی- روانی و هزینه‌ی متحمل شده برای آن (مانند تأمین آرامش، تأمین امنیت، نور، دید و منظر مناسب، رعایت حریم، افزایش شأن و منزلت ساکنین، ایجاد تصویر ذهنی مناسب در ساکنین و غنای حسی).	قاعده‌مندی	
-	تجدیدپذیری	
پاسخ‌گویی اثر به نیازهای روحی- معنوی مطابق با شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی (مانند تأمین آرامش، تأمین امنیت، نور، دید و منظر مناسب، رعایت حریم، افزایش شأن و منزلت ساکنین، ایجاد تصویر ذهنی مناسب در ساکنین و غنای حسی) / پاسخ‌گویی به نیازهای روحی- معنوی مطابق با نیازهای واقعی کاربران (مانند تأمین آرامش، تأمین امنیت، نور، دید و منظر مناسب، رعایت حریم، افزایش شأن و منزلت ساکنین، ایجاد تصویر ذهنی مناسب در ساکنین و غنای حسی).	انطباق‌پذیری	

به آن‌ها است. به طور مثال نبود آسانسور حمل بار در ساختمان‌های مرتفع، ابعاد نامناسب راهروها و یا درها برای حمل و جابجایی وسایل و امثال آن باعث زحمت مضاعف ساکنین می‌گردند. لذا می‌توان گفت با رعایت «تناسب اجزاء اثر با شکل زندگی» مانع تلاش مازاد شده و به قناعت نزدیک‌تر می‌شویم.

۳) اثر معماری: می‌توان گفت اثری در آن برای رسیدن به خواسته‌ها تلاش متناسب شده است، اثری «متوازن» خواهد بود در چنین اثری در استفاده از تکنولوژی، در پیچیدگی فرم و در پاسخ‌گویی به نیازهای مختلف انسانی تعادل رعایت می‌گردد تا متحمل تلاش بیش از حد و هزینه‌ی بیش از برای رسیدن به آن‌ها نباشیم.

معیارهای معماری قانعانه که از ارتباط "قناعت و حرص" استنباط شده‌اند و تعریف اسمی آن‌ها در جدول ۳، معرف‌های آن‌ها در هر یک از ابعاد معماری در جدول ۴ آمده است.

برنامه‌ریزی در علم مدیریت فرآیندی است دارای مراحل مشخص و به هم پیوسته برای تولید یک خروجی منسجم در قالب سیستمی هماهنگ از تصمیمات. برنامه‌ریزی یعنی اندیشیدن از پیش؛ متخصصین از زوایای متعدد برای برنامه‌ریزی تعاریف متعددی ارائه کرده‌اند: تعیین هدف، یافتن و ساختن راه وصول به آن؛ تصمیم‌گیری در مورد اینکه چه کارهایی باید انجام گیرد؛ تجسم و طراحی وضعیت مطلوب در آینده و یافتن و ساختن راه‌ها و وسایلی که رسیدن به آن را فراهم کند؛ طراحی عملیاتی که شیئی یا موضوعی را بر مبنای شیوه‌ای که از پیش تعریف شده، تغییر بدهد (رضائیان، ۱۳۹۲). در نظر گرفتن ضوابط مختلف طراحی، عوارض زمین و ... در طراحی و استفاده از فناوری، مصالح و نیروی در دسترس در ساخت می‌تواند باعث شود تا برای رسیدن به خواسته‌های خود متحمل تلاش و کوشش بیش از حد نشویم. در بهره‌برداری از اثر نیز گاهی خواسته‌هایی به جا وجود دارند که به دلیل عدم وجود تناسب بین اجزای معماری با نوع زندگی، نیازمند تلاشی بیش از حد برای دستیابی



جدول ۳. معیارهای معماری قانعانه حاصل از معنای حرص (تناسب تلاش‌ها با انواع خواسته‌ها) و تعریف اسمی آن‌ها

معیارهای معماری در ابعاد مختلف آن			میدان معنانشناسی قناعت	
اثر	فرآیند خلق	افراد مؤثر	جوهره	مترادف
(فرم، عملکرد، معنا)	(طراحی، ساخت، بهره‌مندی)	(معمار، کاربر، کارفرما)	تناسب تلاش‌ها با انواع خواسته‌ها	حرص

جدول ۴. معرف‌های معماری قانعانه حاصل از معنای حرص (تناسب تلاش‌ها با انواع خواسته‌ها)

معرف‌ها	خرده ابعاد		ابعاد
	معمار	کاربر	
تناسب هزینه‌ی انجام‌شده با کیفیت نهایی اثر / اتمام ساخت اثر در زمان پیش‌بینی شده / تناسب اجزای اثر با شکل زندگی (پاسخ‌گویی اثر به نیازهای واقعی کاربر) / مناسب‌سازی و پذیرش الگوهای معماری غیربومی (در فرم، عملکرد و معنا) / امکان بازنگری در خواسته‌ها (تعدیل خواسته‌ها) / پذیرش بازنگری در فرآیند طرح و اجرا در صورت آگاهی از راه حل بهتر و یا اشتباه بودن فعالیت انجام‌شده (در صورت امکان) / استفاده از نظرات متخصصین رشته‌های دیگر و اشخاص دارای صلاحیت حرفه‌ای حسب مورد / تطابق اثر با محدودیت‌های موجود *	پرهیز از تعصب	پرهیز از تعصب	افراد مؤثر
تناسب هزینه‌ی انجام‌شده با کیفیت نهایی اثر / اتمام ساخت اثر در زمان پیش‌بینی شده / تناسب اجزای اثر با شکل زندگی (پاسخ‌گویی اثر به نیازهای واقعی کاربر) / پذیرش الگوهای معماری غیربومی (در فرم، عملکرد و معنا) به شرط مناسب‌سازی آن‌ها / امکان بازنگری در خواسته‌ها (تعدیل خواسته‌ها) / پذیرش بازنگری در فرآیند طرح و اجرا در صورت آگاهی از راه‌حل جایگزین بهتر و یا اشتباه بودن فعالیت انجام‌شده (در صورت امکان) / استفاده از نظرات متخصصین رشته‌های دیگر و اشخاص دارای صلاحیت حرفه‌ای حسب مورد / پذیرش محدودیت‌های موجود *	پرهیز از تعصب		کارفرما
صرف زمان مناسب برای طراحی / رعایت ضوابط طراحی (از قبیل ضوابط شهرداری، مقررات ملی ساختمان، ضوابط و مقررات مسکن و شهرسازی) / استفاده از فناوری‌های ساخت در دسترس / استفاده از مصالح در دسترس / تطابق اثر با شکل و عوارض زمین / ملاحظات شرایط جغرافیایی و اقلیمی / رعایت میزان دسترسی به نیروی کار ماهر (برای ساخت) / رعایت میزان دسترسی به نیروی کار ماهر (برای تعمیر و نگهداری).	برنامه‌ریزی		فرآیند معماری
تناسب زمان صرف شده برای ساخت با حجم عملیات ساختمانی / تناسب نیروی به کار گرفته شده با حجم عملیات ساختمانی / استفاده از فناوری‌های ساخت در دسترس / استفاده از مصالح در دسترس / رعایت میزان دسترسی به نیروی کار ماهر (برای تعمیر و نگهداری) / رعایت ضوابط طراحی (از قبیل ضوابط شهرداری، مقررات ملی ساختمان، ضوابط و مقررات مسکن و شهرسازی).	برنامه‌ریزی		ساخت
تناسب اجزاء اثر با شکل زندگی (پاسخ‌گویی اثر به نیازهای واقعی کاربر).	برنامه‌ریزی		بهره‌برداری
رعایت اندازه در استفاده از تکنولوژی / پرهیز از پیچیدگی در فرم / تعادل در پاسخ‌گویی به نیازهای جسمی - فیزیکی (مانند تأمین رفاه، ملاحظات اقلیمی، کم‌کردن آلودگی صدا، تأمین ایمنی، تناسب نوع، تعداد و اندازه‌ی قضاها با نیاز ساکنین، تناسب فرم‌ها و کیفیات قضایی با عملکردهای مدنظر).	توازن		اثر معماری
پرهیز از پیچیدگی در روابط عملکردی / تعادل در امکان تحقق عملکردهای مورد نیاز در اثر	توازن		
پرهیز از پیچیدگی در معنا / تعادل در پاسخ‌گویی به نیازهای روحی - روانی (مانند تأمین آرامش، تأمین امنیت، نور، دید و منظر مناسب، رعایت حریم، افزایش شأن و منزلت ساکنین، ایجاد تصویر ذهنی مناسب در ساکنین و غنای حسی).	توازن		
* سنجش این معرف باید توسط معرف‌های تعیین‌شده در "پذیرش محدودیت‌ها" در بعد "افراد مؤثر" در رابطه‌ی "قناعت و طمع" (جدول ۲) صورت پذیرد.			



نتیجه‌گیری

قناعت معانی مختلفی دارد که طی فرآیند انجام شده در این مقاله، به چگونگی تجلی این مفهوم در معانی متضاد آن یعنی «طمع» و «حرص» پرداخته شد. انجام این فرآیند نشان داد لازمه‌ی «محدود کردن امیال» در افراد مؤثر «شناخت حدود اختیار» و «پرهیز از زیاده‌خواهی» هر یک از افراد مؤثر است؛ «تناسب خواسته‌ها با واقعیت» نیز در صورتی امکان‌پذیر است که افراد مؤثر «محدودیت‌های موجود را پذیرفته باشند»؛ «پرهیز از تعصب» در رسیدن به خواسته‌ها نیز می‌تواند یک اصل در معماری قانعانه باشد که با دوری از حرص حاصل می‌شود. در فرآیند طراحی و ساخت با توجه به نسبی بودن محدود کردن امیال، نیاز به «تعیین سلسله مراتب اهمیت»، ضروری به نظر می‌رسد؛ «میل بی‌حد و حصر» در فرآیند خلق معماری می‌تواند باعث به پایان نرسیدن کار شود و باید برای هر کاری به مقیاس زمانی و «اتمام کار» توجه شود، با رعایت اصل «فناپذیری» (پرهیز از میل بیش از حد به ماندگاری و عدم تغییر در معماری) نیز می‌توان به تبعیت از طبیعت به گونه‌ای دیگر پایان کار را در فرآیند معماری لحاظ نمود. «شناخت شکل زندگی» نیز در فرآیند معماری نشان از «تناسب خواسته‌ها با واقعیت» در فرآیند معماری دارد. «تناسب خواسته‌ها با تلاش» نیز با «برنامه‌ریزی» میسر است؛ رعایت «تناسب اجزاء اثر با شکل زندگی» مانع تلاش مازاد شده و به قناعت نزدیکتر می‌شویم. در نهایت در اثری که با طی این فرآیندها توسط افراد مؤثر بنا می‌شود ویژگی‌های عمده ذیل (در فرم، عملکرد و معنا) قابل شناسایی

است: قاعده‌مندی، تجدیدپذیری و انطباق‌پذیری و توازن.

انجام این پژوهش نشان می‌دهد مفاهیم اخلاقی چون قناعت می‌تواند در معماری لحاظ گردند و بدین منظور باید معرف‌های آن شناسایی شوند تا از نسبی‌گرایی و تشتت آراء در تجلی این‌گونه مفاهیم در معماری پرهیز گردد؛ البته قابل ذکر است با اینکه این مفاهیم در مقاله تعریف اسمی و نیز عملیاتی شده‌اند و معرف‌های گوناگونی شناسایی شده‌اند ولی با توجه به عدم امکان رعایت هم‌زمان تمامی معرف‌های معماری حاصل شده ضروری است به وزن‌دهی و اولویت‌دهی معرف‌ها پرداخته شود که فرآیند مختص خود را داشته و در این مقاله نمی‌گنجد. امید است با تکمیل، نقد و آسیب‌شناسی فرآیند انجام شده در این مقاله، بتوان از این فرآیند در خصوص سایر مفاهیم و ارزش‌های اسلامی در آموزه‌های دینی از قبیل عدالت، وحدت و ... بهره برد و بدین طریق گامی در جهت عینی و ملموس نمودن معیارهای معماری مناسب زیست انسان مسلمان برداشت. از ثمرات دیگر تعیین معیارهای عینی برای مفاهیم ذهنی در معماری امکان سنجش وضعیت فعلی معماری، برنامه‌ریزی جهت دستیابی به اهداف پیشرو و معرفی آثار معماری نمونه و الگو در تحقق مفاهیم کیفی معماری مد نظر است.

پی‌نوشت

۱- Indicator: در یک تعریف عملی، آن‌گونه امور واقع را که بر مبنای آن‌ها واژه‌ی مورد نظر بررسی و مشاهده می‌شود، معرف می‌نامند، بنابراین معرف‌ها مانند صفت‌هایی هستند که در تعریف اسمی، تحلیلی و ... واژه را توصیف و فضای



مفهوم آن را مشخص می‌سازند (رفیع‌پور، ۱۳۹۲).
در «منطق نظری» معرف چنین تعرف شده است:
معرف یا قول شارح به مفاهیم روشن و متمایزی
گویند که برای تعریف یک تصور مبهم به کار رود؛
مثلاً معرف انسان می‌شود حیوان خردمند (سعیدی
خوزی، ۱۳۶۰).

۲- برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: شاخص سازی
مفاهیم اسلامی در معماری، مطالعه‌ی موردی:
قناعت (مهوش، ۱۳۹۷)

۳- لازم به ذکر است باید تغییراتی نیز در این
روش در نظر گرفته شود؛ بدین ترتیب که در یافتن
میدان‌های معناشناسی واژه به جای معنای مستقیم
می‌بایست جوهره‌ی آن‌ها مورد توجه واقع شود-
چنانچه سعدوندی (۱۳۸۸) در "معماری قانعانه"
ذکر نموده است- به طور مثال هر کدام از معانی
قناعت که در لغت‌نامه‌ها یافت می‌شوند ارتباط
جوهری عمیقی با قناعت دارند ولی کاملاً بر آن
منطبق نیستند و جوهره‌ی آن معانی است که با
قناعت مرتبط است؛ مثلاً قناعت در بسیاری از
لغت‌نامه‌ها به رضایت تعریف شده است ولی
قناعت دقیقاً به معنای رضایت نیست چرا که اگر
بود باید در جستجوی معنای رضایت در لغت‌نامه‌ها
با قناعت مواجه شد لذا در معنای واژه‌ی قناعت به
جوهره‌ی مشترک قناعت با واژه‌های مترادف آن در
لغت‌نامه‌ها پرداخته می‌شود.

۴- نُزُولُ النَّفْسِ إِلَى شَيْءٍ شَهْوَةٌ لَهُ

۵- مَنْ قَنَعَ قَلِّ طَمَعُهُ.

۶- الْعَبْدُ حُرٌّ مَا قَنَعَ الْحُرُّ عَبْدًا مَا طَمَع.

۷- الطَّمَعُ رِقٌّ مُؤَبَّدٌ

۸- لَا ذَلَّ أَعْظَمُ مِنَ الطَّمَعِ.

۹- لَنْ تَوْجِدَ الْقَنَاعَةَ حَتَّى يَفْقِدَ الْحَرَصَ.

۱۰- اغناكم افنعكم اشقاكم احرصكم

۱۱- اِنْتَقِمِ مِنَ الْحَرِصِ بِالْقَنَاعَةِ.

۱۲- لازم به ذکر است نهادهای سیاست‌گذار و در
واقع قوانین و سیاست‌هایی که به امر ساخت و ساز
جهت می‌دهند به عنوان یک متغیر مداخله‌گر که
تأثیر خود را در افراد مؤثر و بالتبع در فرآیند و اثر
معماری می‌گذارند در نظر گرفته شده‌اند که در
مرحله‌ی بالادستی معماری قرار دارند و جزء ابعاد
و ریز ابعاد معماری لحاظ نشده‌اند.

منابع

- آقا جمال خوانساری، محمد ابن حسین (۱۳۶۶)،
شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و درر
الکلم. تهران: دانشگاه تهران.
- ابن بابویه، محمد ابن علی (۱۳۸۲)، الخصال.
ترجمه‌ی یعقوب جعفری، قم: نسیم کوثر
- ابن شعبه، حسن ابن علی (۱۳۸۱)، تحف‌العقول.
ترجمه‌ی بهراد جعفری، تهران: دار الکتب
الإسلامیة.
- ابن منظور، محمد ابن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان
العرب. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و
التوزیع- دار صادر.
- الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۱)، معماری و راز
جاودانگی، ترجمه‌ی مهرداد قیومی بیدهندی.
تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- بستانی، فؤاد افرام (۱۳۷۵)، فرهنگ ابجدی،
ترجمه‌ی رضا مهیار، تهران. انتشارات اسلامی.
چاپ دوم.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد ابن محمد (۱۴۱۰)،
غررالحکم و درر الکلم، مصحح سید مهدی
رجایی، قم: دارالکتب الاسلامی. چاپ دوم.
- حسین‌زاده، علی (۱۳۸۹)، نقش قناعت در بهره‌مندی
از زندگی، معرفت اخلاقی (۴)، صص ۱۱۵-۱۳۶.



- حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد؛ حکیمی، علی (۱۳۸۰)، الحیاء، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین ابن محمد (۱۳۷۴)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ترجمه‌ی غلامرضا خسروی. تهران: مرتضوی.
- رضائیان، علی (۱۳۹۲)، اصول مدیریت، تهران: انتشارات سمت.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۹۲): کندوکاوها و پنداشته‌ها. مقدمه‌ای بر روش‌های شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- سریانی، نسرين (۱۳۸۱)، قناعت و معماری، نظری بر آثار و اصول قناعت در معماری خانه. پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه یزد.
- سعدوندی، مهدی (۱۳۸۸)، معماری قانعانه، رساله مقطع دکترای معماری، دانشگاه شهید بهشتی.
- سعیدی خوزی، احمد (۱۳۶۰)، منطق نظری، تهران: ۱۳۶۰.
- قرشی بنایی، علی اکبر (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- کراجکی، محمد ابن علی (بی‌تا) گنجینه معارف شیعه امامیه (ترجمه کنز الفوائد و التعجب)، ترجمه‌ی محمدباقر کمره‌ای، تهران: چاپخانه فردوسی.
- _____ (بی‌تا)، نزهه النواظر (ترجمه معدن الجواهر)، ترجمه‌ی عباس قمی، تهران: اسلامیه.
- کلانتری، ابراهیم و جنتی، لیلا (۱۳۹۱)، همبستگی قناعت و آرامش روان از منظر امام علی (ع) در نهج‌البلاغه، پژوهش‌نامه‌ی اخلاق ۴ (۱۷). صص ۲۷-۴۴.
- مستغفری، جعفر ابن محمد (۱۳۸۱)، روش تندرستی در اسلام (ترجمه طب‌النبی و طب‌الصادق علیهم‌السلام)، ترجمه‌ی یعقوب مراغی و محمد خلیلی، ساری: مؤمنین. چاپ سوم.
- مجلسی، محمد باقر ابن محمدتقی (۱۳۷۸)، ایمان و کفر (ترجمه‌ی کتاب‌الایمان و الکفر بحار الأنوار جلد ۶۴)، ترجمه‌ی عزیزالله عطاردی قوچانی. تهران: انتشارات عطارد.
- موسوی، سید عباس (۱۳۸۸)، فرهنگ زهد و قناعت در کلام و سیره‌ی قرآنی معصومین (ع)، نشریه کوثر، نشریه کوثر (۳۱). صص ۲۱-۳۰.
- مهوش، محمد (۱۳۹۷)، شاخص‌سازی مفاهیم اسلامی در معماری؛ مطالعه‌ی موردی: قناعت، رساله مقطع دکترای معماری، دانشگاه هنر اصفهان.
- مهوش، محمد و سعدوندی، مهدی (۱۳۹۷). شاخص‌سازی قناعت در معماری، پژوهش‌های معماری اسلامی، دوره ۶، ش ۳، صص ۱۳۷-۱۵۴.
- میراکبری، رقیه السادات (۱۳۸۹). آثار تربیتی و روان‌شناختی قناعت، فصلنامه‌ی راه تربیت (۱۱). صص ۱۳۵-۱۴۸.
- میلر، سام اف (۱۳۷۹)، روند طراحی، ترجمه محمد احمدی‌نژاد و مهرنوش فخارزاده، تهران: خاک.
- هاشمی خوبی، میرزا حبیب‌الله (۱۴۰۰)، منهاج البراعه فی شرح نهج‌البلاغه، ترجمه‌ی حسن حسن‌زاده‌ی آملی و محمدباقر کمره‌ای. تهران: مکتب‌الاسلامیه. چاپ چهارم.

